بزرگداشت هزارمین سال انتشار «المناظر»

با نامگذاری سال ۲۰۱۵ به نام سال جهانی نور از سوی سازمان یونسکو، بزرگداشت هزارمین سال انتشار کتاب «المناظر» ابن‌هیثم دانشمند مسلمان ۱۲ بهمن در برج میلاد تهران برگزار می‌شود. بزرگداشت هزارمین سال انتشار کتاب «المناظر» ابن‌هیثم دانشمند مسلمان از علل معرفی این سال به عنوان سال نور است. جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهای مشارکت کننده در برنامه سال جهانی نور است. به همین مناسبت مراسم افتتاحیه سال جهانی نور در ایران روز یکشنبه ۱۲ بهمن از ساعت ۱۵ تا ۱۸ در رواق هنری تهران به آدرس بزرگراه شهید حکیم، بزرگراه شیخ فضل‌الله نوری، ورودی بزرگراه همت، کنارگذر اختصاصی برج میلاد تهران برگزار می‌شود.

دیدگاه

گفتاری از رضا داوری اردکانی درباره خصایص اخلاقی و علمی مرحوم حسن حبیبی

در فضیلت گزیده‌گویی

من و مرحوم حبیبی در دانشکده ادبیات همکلاس بودیم. ایشان همزمان در رشته حقوق و فلسفه درس می‌خواند. خاطره‌ای که از آن زمان دارم خاطره نیست مگر آنکه بگویید هرچه در یاد می‌ماند خاطره است. حبیبی در عنفوان جوانی هم متانت و وقار و سکوت و طمانینه و ادب اشخاص پا به سن گذاشته را داشت. در کلاس‌ها کمتر حرف می‌زد اما وقتی چیزی می‌گفت سخنش سنجیده بود. حبیبی از همان آغاز جوانی کم‌گو و گزیده‌گو بود و این هنری است که کسی سخن برای گفتن داشته باشد و آن را به وقت مناسب موکول کند و به قول سعدی زبانش در حکم باشد.

تجربه‌های زندگی اشخاص، تجربه‌ای آزمایشگاهی نیست که با فرض و فرضیه آغاز شده باشد، بلکه عین زندگی است و اگر تجربه حوادث و چالش‌ها منظور باشد عبرت از این تجربه خاص تجربه‌کنندگان است. اگر حتی بپذیریم حبیبی بر اثر تجربه به این نتیجه رسیده بود که برای ماندن باید محتاط باشد همه کس با تجربه به این نتیجه نمی‌رسد اشخاص مزاج‌ها و طبع‌های خاصی دارند و از همه نمی‌توان توقع داشت که بر وفق رسم و رویه یکسان عمل کنند. هرکس کم‌حرف بزند و با این یا آن سیاست مخالفت نکند ضرورتا ترسو نیست. آدم ترسو در مبارزه وارد سیاست نمی‌شود. حبیبی اگر ترسو بود پس از کودتای ۲۸ مرداد کار مبارزه و سیاست را رها می‌کرد و پی کار خود می‌رفت. صرف‌نظر از این نکات در پرسش شما لااقل دو نکته بسیار مهم مضمر است که باید به آن پرداخت. یکی از آنها که در پرسش بعدی صراحت پیدا کرده است نسبت میان نظر و عمل است و دیگری یکی انگاشتن روشنفکری با اشتغال به کار سیاست. ظاهرا فرض این است که حبیبی روشنفکر بود –و این به یک اعتبار فرض موجهی است– روشنفکر باید اعتراض کند و می‌گویند چرا اعتراض نمی‌کرده است. اینها درست است، اما اولا روشنفکر وقتی به شغل سیاست مشغول می‌شود دیگر نمی‌تواند روشنفکر باشد. ثانیا روشنفکری به نظر من در دهه‌های اخیر ناله‌اش اندکی سرد است (من این معنی را در رساله روشنفکری در جهان و در ایران که شاید به‌زودی چاپ شود توضیح داده‌ام –مختصرش این است که روشنفکران در حکومت شرکت ندارند، اما در تاریخ یکصدو پنجاه ساله، روشنفکران لااقل سه بار کوشیده‌اند، حکومت را به دست گیرند یکی در قیام و انقلاب سال ۱۸۴۸ فرانسه، که روشنفکران هنوز به وجود نیامده و در مرتبه بالقوه بودند، برای تصرف قدرت قیام کردند. دوم در سال ۱۸۷۱ (کمون پاریس) و بالاخره جنبش جوانان و دانشجویان در سال ۱۹۶۸ در پاریس.

روشنفکران نقاد و معترض بودند و بهتر بود به نقد و اعتراض بپردازند که اگر در قدرت شرکت می‌کردند از روشنفکری خارج می‌شدند و تازه معلوم نبود تا چه حد از خرد سیاسی و عملی بهره داشتند و در عمل سیاست موفق می‌شدند، ولی در هر صورت روشنفکرانی که وارد میدان عمل سیاسی می‌شوند در زمره سیاستمداران قرار می‌گیرند؛ هرچند همچنان از آنها توقع روشنفکری نیز می‌رود. توقع از روشنفکر این است که انحراف سیاست در اصول را برنتابد و به آن اعتراض کند و اگر اعتراض نکرد محتاط و محافظه‌کار خوانده می‌شود. اما سیاستمدار معمولا برای ماندن محتاط است؛ چه برای زنده ماندن و چه به منظور ماندن در مقام سیاسی. اخلاق در این مورد چه می‌گوید؟ این را از کدام اخلاق بپرسیم و مگر در اخلاق رسمی پاسخی به این پرسش داده شده است. عقل مشترک می‌گوید و درست می‌گوید که نباید تسلیم ظلم و فساد و قهر شد ولی مردمان همواره با ستمگران نسبت ثابت ندارند و با درک و تلقی یکسان در برابر آنها قرار نمی‌گیرند. ما معمولا در مورد اعمال و افعال بسته به اینکه از چه کسی یا چه کسانی و از چه ناحیه‌ای سر بزند حکم می‌کنیم و مگر نمی‌نبینند کارهایی را که خصم و رقیب کرده است بسیار زشت و نشان پلیدی می‌دانیم اما خود همان اعمال را بی‌پروا انجام می‌دهیم.

پرسش و مواخذه روشنفکران از سیاستمداران غنیمت است به شرط اینکه یکسره به قصد ملامت نباشد. سیاستمدار و روشنفکر هر دو باید فکر کنند که چه می‌کنند و چه می‌گویند ولی گردش کارها در مسیر غلبه عادت است. ما اکنون در وضع خاصی هستیم و در این وضع خاص باید به وظیفه روشنفکر –اگر هنوز روشنفکری جایی داشته باشد– و سیاستمدار بیندیشیم. صریح بگویم حکومت ما بدیل ندارد؛ یعنی اگر از پا درآید و منقرض شود آشوب و خونریزی و ویرانگری جای آن را می‌گیرد، پس باید از موجودیت جمهوری اسلامی نه صرفا در برابر خصم خارجی بلکه از طریق اصلاحات اداری و اقتصادی و توسعه مجال فکر و نظر و اندیشیدن به نظم و هماهنگی در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و از میان بردن زمینه‌های فساد و یاس و بدبینی و تامین و تضمین شرایط نظارت همگانی در کارها و رعایت بدون تبعیض قوانین پاسداری کرد. بدون این اقدام‌ها هیچ تدبیری کارساز نیست. در این شرایط که ضرورت‌ها را نمی‌توان و نباید از نظر دور داشت اگر سیاستمدار با سیاست‌های جاری موافق نباشد یا آنها را نپسندد تکلیفش چیست؟ ظاهرا پاسخ روشن است. او در برابر حکومت نمی‌ایستد بلکه تذکر می‌دهد و می‌کوشد کارها را به صلاح آورد و اگر نتواند به تدریج از مرکز دایره قدرت و حکومت دور می‌شود و در حاشیه قرار می‌گیرد. حبیبی معتقد به جمهوری اسلامی بود و حفظ آن را یک ضرورت می‌دانست اما در مرحله‌ای از عمر سیاسی‌اش تشخیص داد در بنیادی مثل ایران‌شناسی بهتر می‌تواند خدمت کند. کسی دیگر ممکن است بیندیشد که با نقد صریح روش‌ها و سیاست‌ها و رویکردهای علمی و فرهنگی و تاریخی و... می‌تواند در تحول فکر و بهبود اوضاع و یافتن راهی برای رسیدن به همدلی و ثبات روحی و اخلاقی و نظم کم و بیش متعادل زندگی اثر داشته باشد. من نمی‌دانم حبیبی در این باب چه می‌اندیشیده است اما کم و بیش می‌توانم وضع او را درک کنم و از بابت محتاط بودن ملامتش نمی‌کنم و اگر کسی او را ملامت کند باید ملامت خود را با توجه به خرد سیاسی و با آگاهی از شرایط علم و عمل و آثار و لوازم آنها توجیه کند وگرنه صرف ملامت کردن و از همه توقع استقبال از شهادت داشتن بیشتر حرف است. روشنفکر اروپایی که بی‌پروا اعتراض می‌کرد هنوز نگران آینده نبود و فکر می‌کرد که ایده‌آل‌های قرن هجدهم بالاخره محقق خواهد شد اما به نظر من اکنون هرکس لا می‌گوید باید الا –و به نتیجه نفی خود– و به چیزی که جای رفته را می‌گیرد، بیندیشد. حبیبی چنانکه گفتم از جوانی اهل حزم و احتیاط بود اما اصولی داشت که می‌کوشید آنها را رعایت کند.

عدم گرایش ادیان الهی به خشونت در گفت‌وگو با مهراب صادق‌نیا

احترام به دیگران قاعده کلی ادیان

سیرانوش موسوی
S.mosavi@fdn.ir

اعمال خشونت یکی از واقعیت‌های تاریخی جامعه انسانی است. این پدیده انسانی در حال حاضر، گاهی با اعتقادات مذهبی عجین شده است، خشونت و کشتار جنگ‌های قرن بیستم که با قساوت تمام‌رخ داده است، عمدتا نزاع‌هایی فارغ از هویت و انگیزه دینی نبوده است. در این میان می‌توان به علل متعدد در بروز و شکل‌گیری خشونت در روابط میان انسان‌ها اشاره کرد. مهراب صادق‌نیا، عضو هیات‌علمی دانشگاه ادیان و مذاهب، در گفت‌وگو با فرهیختگان علاوه بر بیان عدم گرایش ادیان الهی به خشونت به عوامل خشونت‌پراکنی در بین مسلمان اشاره می‌کند.

***

حوادث اخیر خاورمیانه و اروپا به‌ویژه فرانسه، این ذهنیت را در جامعه جهانی شکل داده است که ادیان الهی به‌خصوص دین اسلام در ذات خود تمایل به خشونت را بین پیروانش تشدید می‌کنند. به نظر شما چنین گرایشی در احکام اسلامی وجود دارد؟

زمانی که به جوهر ادیان نگاه می‌کنیم می‌بینیم که در ادیان گوناگون، آموزه‌هایی وجود دارد که پیروان‌شان را به اخلاق، صلح و احترام گذاشتن به حقوق یکدیگر دعوت می‌کنند.

برای مثال یک قاعده کلی در اسلام، مسیحیت، یهودیت، زرتشت و حتی ادیان شرق وجود دارد؛ این قاعده حکایت از این دارد که با دیگران آن‌گونه رفتار کنید که مایلید دیگران با شما رفتار کنند یا به سخن دیگر، با دیگران آن‌گونه رفتار نکنید که دوست ندارید با شما رفتار کنند.

یوشع، پیامبر یهودیت می‌گوید دیگران را چون خویشتن دوست بدارید و پروس هم می‌گوید تمام شریعت مسیحیت در قاعده کلی دوست داشتن دیگران و محبت کردن به یکدیگر خلاصه شده است.

پیامبر اکرم(ص) با استناد به آیات قرآن با صراحت می‌گوید شما به نیکی نخواهید رسید، مگر اینکه از آنچه دوست دارید برای دیگران هبه کنید، پس در دستورات الهی سرجمع بویی از خشونت نیست بلکه احترام گذاشتن به حقوق دیگران و مسائلی از این دست گفته شده است.

نخستین مشکل زمانی پیش می‌آید که به تفسیر مفسران و پیروان این ادیان فرقی میان هم‌کیش و ناهم‌کیش به‌وجود می‌آید و بر این اساس معتقد می‌شوند که این اخلاقیات معطوف به هم‌کیشان است و نسبت به غیر هم‌کیشان ملزم به رعایت مدارا، صلح و امنیت نیستند. به‌عنوان نمونه در دین یهودیت گرایشی به نام صهیونیسم شکل گرفته است.

در این گرایش دینی مراعات حقوق دیگران تکلیفی است که معطوف به هم‌کیشان است. صهیونیست‌ها ربا برای هم‌کیشان را حرام می‌دانند، اما این اصل را می‌توانند برای غیرصهیونیست‌ها اعمال کنند. به نظر می‌رسد چنین تفسیرهایی زمینه‌هایی خشونت‌های دینی را فراهم کرده است.

در اسلام هم تفسیری پدید آمده که معتقد است در اسلام آموزه‌هایی چون صلح و امنیت برای هم‌کیشان است و آیه‌ای که می‌فرماید «اشداء علی الکفار» در بین خودتان با رحمت و با کفار با خشونت رفتار کنید. چنین آموزه‌هایی را ما نسبت به خودمان مراعات می‌کنیم و با دیگران با خشونت رفتار می‌کنیم. وقتی ما به متون اصیل ادیان مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که چنین تفسیرهایی نادرست هستند.

کفار کسانی هستند که با پیامبر(ص) وارد جنگ می‌شدند. در احکام اسلام نه‌تنها هیچ دستوری برای خشونت و خشونت‌پراکنی وجود ندارد، بلکه برعکس با تفحص و مطالعه‌ای ساده می‌توان دید که ادیان تا اندازه زیادی بر صلح، آرامش و امنیت تاکید می‌کنند. آنچه خشونت تولید می‌کند تفسیرهایی است که برخی افراطیون از بعضی از آموزه‌های دینی ارائه می‌دهند و برخی دیگر از آموزه‌های دینی را به فراموشی می‌سپارند. این تفسیرهای نادرست ممکن است در جامعه خشونت ایجاد کند، پس باید بگویم ادیان در ذات خود میل به خشونت ندارند.

گروهی از متدینین هستند که میل به خشونت را تشدید می‌کنند. خشونت‌پراکنی با ذات دین منافات دارد، همه ادیان الهی، یهودیت، مسیحیت و اسلام پیروان خود را از ارتکاب قتل نفس باز می‌دارند چراکه چنین آموزه‌هایی نشان‌دهنده جوهر ادیان است اما برخی با ارائه تفسیرهای نادرست از دین قتل می‌کنند با این استدلال که می‌خواهند دین بماند، دینی که از نگاه این افراد با قتل دیگران باقی می‌ماند خود را نقض می‌کند و این تفسیرها نادرست هستند. متاسفانه این تفسیرها این روزها علیه اسلام زیاد گفته می‌شود. گروه‌های افراطی خشونت‌گرا از اسلام تصویری ارائه داده‌اند که این توهم را در جامعه جهانی ایجاد کرده است که ماهیت اسلام خشونت را پرورش می‌دهد در حالی که تاریخ اسلام مربوط به دهه‌های اخیر نیست و ۱۴ قرن از تاریخ اسلام می‌گذرد. اسلام همواره دین صلح‌طلب و امنیت‌خواه بوده است. ما در صدر اسلام هیچ جنگی را نمی‌توانیم پیدا کنیم که برای دین باشد، پیامبر(ص) هم هرگز برای دین نجنگیدند بلکه برای حفظ آن می‌جنگیدند. اگر قرار بود اسلام با جنگ ترویج و حفظ شود و به مناطق دیگر برود پیامبر(ص) با جنگ از مناطق اسلامی محافظت می‌کردند و به مسلمین اجازه چنین کاری را می‌دادند. پیامبر(ص) زمانی می‌جنگیدند که مسلمین مورد ظلم قرار گرفته بودند، پس ذات اسلام در این ۱۴۰۰ سال هیچ‌گاه خشونت‌طلب نبوده است، این جامعه اسلامی است که برخی قرائت‌ها و تفسیرهای نادرست را به وجود آورده و این تصور را ایجاد کرده است که اسلام در پرورش خشونت یا خشونت‌های برون‌گروهی نسبت به دیگر گروه‌های اسلامی خاصیت و نقش داشته است، البته لازم به یادآوری است که این گروه‌های تکفیری در همه سنت‌های ارتدوکسی اسلام مردود اعلام شده‌اند و با اسلام اصیل بیگانه‌اند.

اما در حال حاضر به بعد خشونت‌آمیز احکام اسلامی بیشتر استناد می‌کنند. به نظر شما این تمایل ریشه در چه عواملی دارد؟

من دلایل متعددی را می‌توانم برشمارم ولی فکر می‌کنم استناد به آیات جهاد بیشتر به هویتی برمی‌گردد که اخیرا در سطح جامعه جهانی برای مسلمین شکل داده‌اند. در هر حال جامعه جهانی، به سمت جهانی شدن یا هویت واحد جهانی می‌رود. در این زمینه هم تریبون‌ها و رسانه‌ها در دست همه به یکسان تقسیم نشده است، در این فضا هویت‌های مقاومتی شکل گرفته است. این هویت‌ها گاه دینی و غیردینی هستند و لزوما این مقاومت‌ها دینی نیستند. برای مثال در آلمان، نازی‌ها هویت مقاومتی هستند که دولت آلمان با آنها مقابله می‌کند. نازی‌ها نژادپرست هستند و در پی هویت واحدند. همین اعتقاد آنها باعث شده است دولت آلمان در برابر آنها مقابله کند. به نظر من این هویت‌های مقاومتی، هویت‌های سلطه یا هویت مشروعیت‌بخشی هستند که جهان را به سمت تک‌هویتی سوق می‌دهند. این هویت‌ها می‌خواهند مقاومت کنند یا رسانه دارند یا ندارند و اگر دارند نحوه استفاده درست از آن را بلد نیستند به همین دلیل راه مقابله با هویت سلطه را دست بردن به اسلحه می‌دانند و دیگران را از بین می‌برند تا از این راه هویت پروژه‌ای و برنامه‌دار برای خود ایجاد کنند. در این میان صف‌آرایی در برابر هویت سلطه، نقش کسانی که به نوعی دشمن لقب گرفته‌اند را نباید فراموش کرد.

> خشونت‌پراکنی با ذات دین منافات دارد، همه ادیان الهی یهودیت، مسیحیت و اسلام پیروان خود را از ارتکاب قتل نفس باز می‌دارند چراکه چنین آموزه‌هایی نشان‌دهنده جوهر ادیان است اما برخی با ارائه تفسیر نادرستی از دین قتل می‌کنند با این استدلال که می‌خواهند دین بماند، دینی که از نگاه این افراد با قتل دیگران باقی می‌کند این تفسیرها نادرست هستند

گروه‌هایی از داعش و دیگر گروه‌های خشونت‌طلب بدشان نمی‌آید که تصویری خشن از اسلام ارائه بدهند. همان‌گونه که آمارها نشان می‌دهد اروپا به‌گونه‌ای پیش می‌رود که در ۱۵ سال آینده ترکیب جمعیتی‌اش به صورت نیمه‌مسلمان و نیمه‌غیرمسلمان می‌شود و این موضوع این احتمال را می‌دهد که برخی بخواهند این ذهنیت را در اروپا تقویت کنند که اگر اسلام در اروپا قوت بگیرد چیزی جز رواج خشونت نیست و چنین از توسعه اسلام در کشور خود جلوگیری می‌کنند.

آیا می‌توان گفت احکام جهاد و صلح در اسلام به نوعی ناسخ و منسوخ هم هستند؟

هدف اولیه اسلام جنگ نیست. اسلام به دنبال صلح و همزیستی است. ما آیات قرآن را نباید در خلاء معنا کنیم. ما با یک تصویر تاریخی از اسلام روبه‌رو هستیم. پیامبر(ص) به‌عنوان دریافت‌کننده آیات هیچ‌گاه غیرمسلمانی را به ضرب شمشیر مسلمان نکرد و خشونت را برای هیچ غیرمسلمانی روا ندانست. در منزل پیامبر غیرمسلمانان زیادی زندگی می‌کردند و بر سر یک سفره می‌نشستند. پیشکار و کنیز پیامبر غیرمسلمان بودند. آنها هیچ‌گاه با ذره‌ای خشونت از جانب پیامبر مواجه نبودند. این نشان‌دهنده فهم پیامبر از آیات قرآن است. برخی معتقدند که آیات جنگ به اندازه آیات صلح هستند.

پیامبر در جمع بین این دو دسته آیات این‌گونه زندگی می‌کرد، آیات صلح معطوف به همه مسلمانان و غیرمسلمانان می‌شد اما آیاتی که مسلمین را به جنگ دعوت می‌کرد خشونت را تنها در حق کسانی روا می‌داشت که با مسلمین در حال جنگند یعنی کسانی که با پیامبر جنگ می‌کردند. با این افراد نمی‌توان با نرمی سخن گفت. اگر زبان نرم تاثیر داشت شمشیر برنمی‌داشتند و نمی‌جنگیدند. طبیعی است که پیامبر بگوید بکشید آنها را تا فتنه‌ای نکرده‌اند. البته منظور از بکشید، غیرمسلمانان و آنهایی که با شما مخالف هستند یا خصومت دارند نبود، منظور خشونت‌طلبی در حق هم‌کیشان نیست بلکه تنها در حق معاندین است. یعنی کسانی که شمشیر به دست گرفته‌اند. پس دوباره تاکید می‌کنم که تمام آیات خشونت در اسلام معطوف به کسانی است که در میدان جنگ علیه پیامبر می‌جنگیدند.

دوره

سلسله درس‌های آشنایی با معارف نهج‌البلاغه

مهر| موسسه نهج‌البلاغه به منظور آشنایی اقشار مختلف مردم با معارف علوی و مفاهیم خطبه‌ها و عبارات حکمت‌آمیز مولا امیرالمومنین علیه‌السلام، سلسله درس‌های آشنایی با نهج‌البلاغه و معارف آن را تحت عنوان «پرتوی از نهج‌البلاغه» برگزار می‌کند. این سلسله درس‌ها توسط مصطفی دلشاد تهران، یک هفته در میان، ساعت ۱۶ تا ۱۷:۳۰ در روزهای دوشنبه ارائه می‌شود و نخستین جلسه آن روز دوشنبه ۱۳ بهمن‌ماه جاری خواهد بود. این جلسات در خانه اندیشمندان علوم انسانی واقع در خیابان استاد نجات‌اللهی، نبش ورشو برگزار خواهد شد.

همایش

ضرورت فلسفه در جهان معاصر

ایکنا| همایش ضرورت فلسفه در جهان معاصر با حضور کارشناسان پنجشنبه ۱۶ بهمن‌ماه در مشهد برگزار می‌شود. این همایش همراه با سخنرانی و میزگرد با حضور غلامرضا فیاضی، سیدمحمد غروی، حسن رمضانی و علی رضایی تهرانی برگزار می‌شود. این مراسم از ساعت هشت الی ۱۲ در مشهد، چهارراه خسروی، نبش کوچه روشن، سالن همایش‌های دفتر تبلیغات اسلامی برپا می‌شود.

نقد

نظریه علم دینی

فارس| گروه فلسفه علوم انسانی اسلامی موسسه آموزش عالی حوزوی حکمت با همکاری قطب علمی فلسفه دین پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و فصلنامه کتاب نقد، نشستی انتقادی با هدف نقد و بررسی نظریه علم دینی خسرو باقری برگزار می‌کند. این نظریه توسط حسین کچوئیان، حسین بستان و علیرضا قائمی‌نیا نقد و ارزیابی خواهد شد. این جلسه، روز یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۹ الی ۱۲، در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به نشانی تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر، خیابان پژوهشگاه، شماره ۲ برگزار می‌شود.

آگهی مناقصه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد در نظر دارد خرید و اجرای پارتیشن در بخش‌هایی از دانشکده‌های خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به یکی از شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت می‌شود جهت دریافت اطلاعات حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از تاریخ انتشار این آگهی به دبیرخانه کمیسیون معاملات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
شرایط به شرح ذیل می‌باشد:
۱- سپرده شرکت در مناقصه مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (پنجاه میلیون ریال) می‌باشد که می‌بایست به حساب سپرده شماره ۰۲۱۶۲۳۶۵۵۴۰۰۱ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد واریز یا در قالب ضمانتنامه معتبر بانکی با موضوع شرکت در مناقصه ارائه گردد. ۲- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد. ۳ - دانشگاه در رد یا قبول هرکدام از پیشنهادات مجاز است. ۴- بابت خرید اسناد مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ ریال (دویست و پنجاه هزار ریال) به حساب سپرده شماره ۰۲۱۶۲۳۶۵۵۴۰۰۱ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد واریز و اصل فیش را همراه با اسناد ارسال نمایند.
آدرس نجف‌آباد - بلوار دانشگاه - دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد - دبیرخانه کمیسیون معاملات دانشگاه
تلفن دبیرخانه کمیسیون: ۴۲۲۹۲۰۲۰ - ۰۳۱ تلفن اطلاعات فنی: ۲- ۴۲۲۹۲۱۳۱ -۰۳۱
دورنگار: ۴۲۲۹۱۱۰۷ - ۰۳۱ و ۴۲۲۹۱۰۱۶ - ۰۳۱
Email:monaghese@iaun. ac. ir
روابط‌عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی مرکز سردشت در نظر دارد یک باب مغازه جهت ارائه خدمات چاپ، تکثیر جزوات و کتب دانشجویی و... متعلق به این مرکز دانشگاهی را از طریق مزایده عمومی در قالب عقد اجاره یک ساله واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص واجد شرایط، دعوت می‌شود جهت خرید اسناد مزایده به دفتر امور دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز سردشت واقع در بلوار شهدای ۷ تیر مراجعه نمایند.
شرایط به شرح ذیل می‌باشد:
۱- میزان ضمانتنامه یا سپرده شرکت در مزایده معادل مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ریال (ده میلیون ریال) و هزینه خرید اوراق مزایده ۲۰۰/۰۰۰ریال طی فیش واریزی به شماره حساب سیبا ۰۱۰۶۹۰۶۰۶۶۰۰۷ بانک ملی ایران شعبه مرکزی در وجه دانشگاه آزاد اسلامی مرکز سردشت می‌باشد.
۲- هزینه درج آگهی برعهده برنده مزایده می‌باشد.
۳- دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد مختار است.
آدرس: سردشت - بلوار شهدای ۷ تیر- دانشگاه آزاد اسلامی مرکز سردشت.
تلفن: ۹۲-۴۴۳۳۱۹۹۰-۰۴۴
روابط‌عمومی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز سردشت

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی مرکز **سردشت** در نظر دارد **دو باب مغازه جهت ارائه خدمات بوفه دانشجویان** را از طریق مزایده عمومی در قالب عقد اجاره یک ساله واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص واجد شرایط، دعوت می‌شود جهت خرید اسناد مزایده به **دفتر امور دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز سردشت واقع در بلوار شهدای ۷ تیر** مراجعه نمایند.
۱-میزان ضمانتنامه یا سپرده شرکت در مزایده معادل مبلغ **۱۰/۰۰۰/۰۰۰ریال (ده میلیون ریال)** و هزینه خرید اوراق مزایده **۲۰۰/۰۰۰ریال** طی فیش واریزی به شماره حساب **سیبا ۰۱۰۶۹۰۶۰۶۶۰۰۷** بانک **ملی ایران** شعبه **مرکزی** در وجه **دانشگاه آزاد اسلامی مرکز سردشت می**باشد.
۲- هزینه درج آگهی برعهده برنده مزایده می‌باشد.
۳-دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد مختار است.
آدرس: سردشت- بلوار شهدای ۷ تیر- دانشگاه آزاد اسلامی مرکز سردشت. تلفن:۹۲-۴۴۳۲۱۹۹۰-۰۴۴
روابط‌عمومی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز سردشت

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا در نظر دارد انتشارات و نانوایی خود را از طریق مزایده عمومی به واجدین شرایط به صورت اجاره یک ساله واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند تا ۱۰روز پس از تاریخ آگهی جهت بازدید از محل و دریافت مدارک مربوط به شرکت در مزایده، به مدیر امور اداری واحد مراجعه و قیمت پیشنهادی خود را در پاکت سربسته با ذکر شماره تلفن و آدرس تحویل نمایند.
ضمنا هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.
شماره تماس ۰۹۹۲۸۱۰۰۷۸ و ۰۱۳۴۴۸۰۰۱۲۰ و ۱۳۴۴۸۰۳۰۰
روابط‌عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا